

در گفتگو با دکتر مهدی بیگجانی، رئیس بنیاد توسعه کارآفرینی و تعاون (بخش اول)

## چرا گردشگری کلید توسعه پایدار در قرن جدید است؟

پتانسیل بی‌پایان گردشگری، آن را به یکی از استراتژیک‌ترین صنایع جهان بدل کرده؛ صنعتی که می‌تواند تصویر یک ملت را بازسازی و آینده آن را متحول کند.

به گزارش شبکه خبری تعاون، دکتر مهدی بیگجانی، رئیس بنیاد توسعه کارآفرینی و تعاون در خصوص پتانسیل بی‌پایان گردشگری اظهار کرد؛ صنعت گردشگری به یکی از استراتژیک‌ترین صنایع جهان بدل کرده؛ صنعتی که می‌تواند تصویر یک ملت را بازسازی و آینده آن را متحول کند.

اهمیت و پتانسیل صنعت گردشگری

۱) مقامات ارشد کشوری بارها بر راهی از اقتصاد تک محصولی تاکید کرده‌اند. با توجه به اینکه صنعت گردشگری می‌تواند بیش از ۱۰ درصد از درآمد ملی برخی کشورها را تشکیل دهد، به نظر شما چه برنامه‌های برای تبدیل این ظرفیت به منبع درآمدی پایدار و جایگزین نفت در سبد اقتصاد کشور دارد؟

در ابتدا تعریفی از گردشگری و اهمیت آن در ایران را خدمت شما ارائه می‌دهم. ایران زادگاه نخستین امپراطوری رامتین و حکومتی کامل است که از عناصری ناهمگن فراهم شده است این امپراطوری نه مثل مغول زودگذر و نه مثل امپراطوری هندوستان ایستا و بی جنبش و نه امپراطوری ترکان بنیادش برستمگری بوده بدین ترتیب امپراطوری ایران روزگاری دراز و درخشان را پشت سر گذاشته و شیوه پیوستگی آن با مفهوم راستین کشور و دولت بیش از سایر امپراطوری دیگر مطابقت دارد، ایران و ایرانی چراغی را روشن نموده که در آغاز خود درخشیده و سپس پیرامونش را روشن ساخته، اصول پیشرفت با تاریخ ایران آغاز می‌شود در این بین می‌توان به یونان و روم نیز اشاره نمود ولی در مقایسه با ایران روزگاری بسیار کوتاه داشته‌اند. ایران و ایرانی پدیده‌ای شگفت‌انگیز در عقل تاریخ بوده و هستند و انسان را حیرت زده می‌کند.

تمامی مردم جهان و ایران از دیرباز تا کنون گردشگری را یکی از بزرگترین و سریع‌ترین صنایع در جهان و از منابع مهم درآمد، اشتغال و ثروت بعد از نفت و خودروسازی داشته و می‌دانند. گردشگری را می‌توان ترکیبی از علم صنعت و فرهنگ دانست که محصول و خدمات گردشگری را برای معرفی در اختیار گردشگران قرار می‌دهد. امروزه گردشگری نه بعنوان یک سرگرمی و مسافرت بی هدف بلکه بعنوان یک فعالیت قابل اعتنای اقتصادی در طی یک دهه آینده پیش‌تاز و سودآورترین تجارت جهان بوده و همچنان در حالی گسترش خواهد یافت در حال گسترش خواهد بود و به یکی از اولویت‌های هدفمند زندگی جوامع انسانی با رشد با رشد خیره‌کننده تبدیل خواهد شد.

۲) بر اساس آمار، ایران از نظر پتانسیل جذب گردشگر جزو ۱۰ کشور اول دنیاست، اما در عمل در رده‌های پایین‌تری قرار دارد. به نظر شما مهمترین "گلوگاه" یا محدودیتی که باعث شده این پتانسیل بالا به جذب واقعی تبدیل نشود، چیست؟ آیا این محدودیت‌ها بیشتر جنبه زیرساختی دارد یا مدیریتی و برنامه‌ریزی؟

گردشگری نیاز به پیش‌نیازهای متعددی داشته و داره بنده فقط در مورد ایران موضوع رو مورد بررسی قرار می‌دم من نمی‌خواهم بیشتر از بیشتر از همه یونان و روم یا ترکیه و دیگر کشورها را بیان کنند و آن هم به دلیل ظرفیت‌های ایران عزیزمان می‌باشد چرا که گردشگری به عنوان یک فرصت برای کشوری که زیرساخت‌های ارزی در آن فراوان بوده و هست و نسبت به رقبای منطقه‌ای و جهانی جلوتر می‌باشد یک فرصت بی‌ظنیر و ضروری بی‌ظنیر و ضرورتی انکارناپذیر است ظرفیت‌های بالقوه فراوان گردشگری در کشور ایران از مسجد الشیخ شیخ لطف‌الله و عالیقاپو گرفته تا تخت جمشید و تخت دلیان از طاق بستان در کرمانشاه به عنوان بزرگترین طاق دست‌کنده دست بشر و اماکن مذهبی تاریخی و غارها و چشمه‌ها جنگل‌ها اکو توریسم جذاب در کشور ایران تماماً قابلیت‌های چشمگیری می‌باشد که می‌تواند سهم ارزشمندی از درآمد صنعت توری را برای ما به ارمغان بیاورد حدود دو میلیارد نفر جمعیت با رشد سه درصد جمعیتی معادل دو و شش میلیارد نفر در ده سال آینده باعث ایجاد بازاری به گردشگری پنجاه درصد کل جمعیت کل کره زمین ایجاد خواهد نمود که این بازار پیشرفته را نباید هرگز از تمامی برنامه‌های اقتصادی و حتی دیپلماتیک نادیده گرفته و متاسفانه تاکنون به مانند سایر اصول سند چشم‌انداز اقتصادی بیست ساله کشور با پایان یک هزار و چهارصد و چهار با بسیج همه دست‌اندرکاران سیاستگذاران برنامه‌ریز و قانونگذاران مجریان بخش‌های مختلف قوای مجریان بخش‌های مختلف قوای سه‌گانه نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی در تحقق اهداف چشم‌انداز در همه حوزه‌ها به ویژه جذب بیست میلیون گردشگر متاسفانه محقق نگردید.

۳) توسعه گردشگری می‌تواند به توزیع عادلانه ثروت و نشاط اجتماعی کمک کند. بنیاد توسعه و تعاون چگونه می‌خواهد از ظرفیت گردشگری برای ایجاد "عدالت اجتماعی" و بهره‌مندی عادلانه همه اقشار از مزایای سفر استفاده کند؟

کاملاً سوال باجا و شایسته‌ای است که متاسفانه از دید خیلی از مسئولین و دست‌اندرکاران مغفول مانده است بنده تصور این است که اگر مسئولین کشور و هر استان به تفکیک استانی بتوانند از همین ظرفیت گردشگری به شکل درست و تبلیغات صحیح و جهت‌گیری مناسب استفاده کنند درآمد آن استان در سطح کشور را از همه درآمدهای دیگر بی‌نیاز می‌کند.

جاذبه‌های گردشگری هر استان دارای ظرفیت‌های عظیمی برای توسعه باشد و به لزوم توجه به همه انواع گردشگری معرفی و شناساندن جاذبه‌ها

برای مسافران داخلی و خارجی استفاده از ظرفیت های فرهنگی ضمن اینکه می تواند وابستگی اقتصادی به صنعت نفت را به حداقل برساند به سرعت اشتغالزا و درآمدی پایدار ایجاد خواهد گردد خاطره این رو کی اومدی و این رونق افزایش نشاط اجتماعی را برای مردم به ارمغان می آورد از حجم از هجمه بزه های اجتماعی نیز خواهد کاست در سطح جهانی ارزآوری کلانی را عاید کشور می کند ضمنا باید بگویم ایران جزو ارزان ترین مقاصد سفرها در سراسر جهان باشد.

در وضعیت کنونی اقتصاد سیاسی ایران که بایستی برای استخراج و فروش نفت باید هزینه های بسیاری را متحمل گردیم با یک برنامه ریزی هدفمند هر کدام از گردشگران سایر کشورها در ایران می توانند منبعی از باشد برنامه ریزی و توسعه توسعه گردشگری را می توانم یک فرصت بکر در این میدان بنا کارگروه گردشگری بنیاد به عنوان برندی جان مول طواف قصد دارد بازارهای گردشگری جهان قدم بزد ایران مقصد سفرهای پاک در دنیا بوده و اما نقش بنیاد در برنامه ریزی و توسعه ظرفیت های گردشگری با بهره گیری از کارشناسان صی گردشگری را یک فرصت برای پیشرفت کشور قلمداد می کند ابتدا باید به مزیت های نسبی خود در توریسم توجه کنیم و با شناسایی تمدن فرهنگ اقتصاد معیشتی و سایر پیش نیازها و نیازها اقدام به ایجاد تعاونی ها به صورت منطقه ای گروهی و حتی خانوادگی اقدام نماییم.

پایان بخش اول